

رابطه میان سبک‌های تصمیم‌گیری مریبان با میزان تحلیل‌رفتگی بازیکنان لیگ‌های برتر والیبال ایران

عباس نظریان مادوانی^{۱*}، مریم مختاری دینانی^{**}

* استادیار دانشگاه شهید رجایی

** استادیار دانشگاه الزهرا

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۶/۱۰

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۱۰/۱۴

چکیده

هدف تحقیق حاضر بررسی ارتباط میان سبک‌های تصمیم‌گیری مریبان با میزان تحلیل‌رفتگی بازیکنان لیگ‌های برتر والیبال ایران است. این پژوهش کاربردی و از نوع همبستگی است و جامعه آماری آن به صورت تمام‌شمار و با نمونه آماری شامل ۲۴۰ نفر از بازیکنان زن و مرد (۱۰۰ نفر زن و ۱۴۰ نفر مرد) و ۴۰ مربی و سرمربی از تیم‌های مردان و زنان شرکت‌کننده در لیگ برتر والیبال ایران در سال ۹۲-۱۳۹۱ انجام شد. ابزار مورد استفاده در پژوهش حاضر شامل پرسشنامه سبک تصمیم‌گیری اسکات و بروس (۱۹۹۵) و پرسشنامه تحلیل‌رفتگی ورزشکاران رادک و اسمیت (۲۰۰۱) بود که پایایی ابزارها با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ مورد تأیید قرار گرفت. برای تحلیل داده‌ها از ضریب همبستگی، رگرسیون گام‌به‌گام و آزمون t دو گروه مستقل استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که میان سبک‌های تصمیم‌گیری مریبان (عقلانی، شهودی، آنی، اجتنابی و وابستگی) و تحلیل‌رفتگی ورزشکاران (فرسودگی عاطفی، کاهش عملکرد و بی‌علاقگی) ارتباط معنی‌داری وجود دارد ($P < 0/05$). همچنین، سبک‌های تصمیم‌گیری عقلانی، وابستگی، آنی و اجتنابی مریبان در مجموع ۴۰ درصد از تغییرات تحلیل‌رفتگی بازیکنان والیبال را تبیین می‌کند.

واژه‌های کلیدی: تحلیل‌رفتگی، ورزشکار، والیبال، سبک تصمیم‌گیری

مقدمه

موضوع تحلیل‌رفتگی^۱ در کار، یا کارسوختگی، اخیراً مطرح و به سرعت با استقبال و علاقه دانش‌پژوهان مواجه شده است. تحلیل‌رفتگی را می‌توان حالت تحلیل و تهی‌شدگی قوای فیزیکی، عاطفی و دماغی که وجه مشخصه آن، نقصان و فروکشی قوای فیزیکی، ضعف مزمن، تحلیل‌بنیه، احساس تنهایی و نومیدی، دریافت و برداشت‌های منفی درباره خویشتن، بهبوده‌انگاری و مهم‌پنداری امور، نگرش منفی نسبت به کار و فعالیت، زندگی و اطرافیان دانست. منظور از تحلیل‌رفتگی، بیماری با فرسودگی عاطفی، بی‌هویتی و کاهش عملکرد شخصی است که در بین افرادی که با مردم با ظرفیت‌های گوناگون کار می‌کنند، رخ می‌دهد (۱). به اعتقاد اسمیت (۱۹۸۶) تحلیل‌رفتگی شامل کناره‌جویی فیزیکی، روان‌شناختی، عاطفی و هیجانی از فعالیت‌هایی است که فرد قبلاً از آنان لذت می‌برده است (۲).

اگرچه مطالعه تحلیل‌رفتگی در حوزه مشاغل خدمات انسانی وجود داشته، اما مطالعه آن در سایر حوزه‌ها نیز قابل کاربرد است؛ زیرا بسیاری از مشاغل که به‌عنوان حرفه‌های خدماتی در نظر گرفته نمی‌شوند؛ ممکن است باعث تحلیل‌رفتگی شوند (۳). ورزش نیز به عنوان یکی از حرفه‌های خدماتی دارای محیط و جوی متغیر، پرنوسان و با علاقه‌مندان بی‌شمار از اقسام مختلف است که منابع انسانی آن به‌ویژه مربیان و ورزشکاران می‌توانند دچار تحلیل‌رفتگی شوند. از این‌رو، در یک دهه اخیر و به‌واسطه حضور مستمر مربیان و ورزشکاران والیبالیست کشور در سطوح تراز اول بین‌المللی از جمله بازی‌های آسیایی، جهانی و لیگ جهانی، موضوع تحلیل‌رفتگی آنها باعث نگرانی دست‌اندرکاران و مربیان ورزشی شده است. بنابراین، هر چند عمر تحلیل‌رفتگی به کم‌تر از دو دهه پیش برمی‌گردد، اما این مفهوم به تازگی در حوزه ورزش نیز مورد استفاده و ارزیابی قرار گرفته است (۴).

کاکس (۲۰۰۶) تحلیل‌رفتگی در ورزش را به‌عنوان یک سندرم بیان می‌کند که شامل فرسودگی فیزیکی و هیجانی است. به اعتقاد وی تحلیل‌رفتگی شامل کاهش در پیشرفت ورزشی می‌باشد (۵). فندر (۱۹۸۹) تعریف تحلیل‌رفتگی شغلی و تفاوت‌های میان ورزش و سازمان‌ها را مورد بررسی قرار داد و تعریف اصلاح‌شده‌ای از تحلیل‌رفتگی که مختص شرایط ورزشی است ارائه نمود. او تحلیل‌رفتگی را «واکنشی در تبادل فشارهای روحی رقابت ورزشی که می‌تواند با احساس خستگی عاطفی، برخورد سرد و عاری از عاطفه ورزشکاران و عملکرد ورزشی کاهش‌یافته همراه باشد، تعریف کرد» (۶).

در زمینه ورزش حرفه‌ای تلاش برای تعالی و پیشرفت همواره در حال افزایش است، این حالت افزایشی ممکن است در ایجاد تحلیل‌رفتگی نقش داشته باشد؛ به‌ویژه زمانی که ورزشکاران احساس می‌کنند عملکرد آنان با استاندارد فاصله قابل‌توجهی دارد. در صورت تداوم، این احساس باعث می‌شود که فرد از تمایل شدید پیشرفت و موفقیت به الگوی انزوا، انفعال فیزیکی، شناختی و هیجانی نزدیک شود که همان تحلیل‌رفتگی است. ورزشکاران به دلیل انتظارات بیش از حد جامعه از آنها، بیشتر اوقات در شرایطی قرار می‌گیرند که ناچارند تمام تلاش خود را به‌کار گیرند. این توقعات زیاد، بیشتر اوقات ورزشکاران را تحت فشار قرار می‌دهند و باعث واکنش‌هایی مانند ترس از شکست، اضطراب و نگرانی، تنش، فشار، افسردگی و تحلیل‌رفتگی می‌کنند (۷). در این زمینه لانی و همکاران (۲۰۰۲) وی معتقدند تحلیل‌رفتگی دارای تأثیرات قابل‌توجهی از نظر کناره‌گیری فیزیکی و هیجانی از ورزش به دلیل استرس مزمن است. به اعتقاد آنها شناسایی آنچه بازیکنان در مورد تحلیل‌رفتگی درک می‌کنند و تعریف دقیق آن بسیار مهم است (۸).

کاربرد مفهوم تحلیل‌رفتگی در حوزه‌های مختلف ورزشی کاملاً مشهود است. در سال‌های اخیر هم‌زمان با توسعه ورزش به بالاترین سطح حرفه‌ای، تعاریف متعدد و مطالعات بسیاری در رابطه با تحلیل‌رفتگی بازیکنان در سطح دنیا انجام شده است. اسمیت و رادک (۲۰۰۱) معتقدند ورزشکاران ورزش‌های رقابتی و نیز ورزشکاران انفرادی مانند تنیس، اسکیت و ژیمناستیک تحلیل‌رفتگی بیشتری را تجربه خواهند کرد. آنها حتی ورزشکاران بدنسازی و پرورش‌اندام را نیز در معرض تحلیل‌رفتگی می‌دانند. به‌علاوه، این دو محقق مدلی جهت اندازه‌گیری تحلیل‌رفتگی پیشنهاد دادند که در مطالعات بسیاری از این مدل استفاده شده است. این مدل، تحلیل‌رفتگی را از سه بعد فرسودگی عاطفی/ جسمانی^۲، کاهش پیشرفت^۳ و تنزل (کاهش ارزش) در عملکرد ورزشی^۴ مورد اندازه‌گیری قرار می‌دهد. فرسودگی عاطفی/ جسمانی به احساساتی نظیر خستگی بدنی و ذهنی هنگام اجرای ورزشی و تمرینات

1. Burnout
2. Emotional/Physical Exhaustion

3. Reduced Sense of Accomplishment

4. Sport Devaluation

و احساس بی‌ارزشی به احساساتی نظیر بی‌اهمیت شدن مشارکت ورزشی، عبث بودن آن و اهمیت یافتن فعالیت‌های دیگر در مقایسه با ورزش اشاره دارد (بی‌علاقگی). احساس کاهش پیشرفت با احساساتی نظیر درج‌ازدن، مؤثر نبودن و دست‌نیافتن به اجرای ورزشی دلخواه همراه است (۹).

از سوی دیگر، شغل مربی‌گری به‌عنوان یکی از مشکل‌ترین مشاغل دنیا نیاز به مهارت و دانش فوق‌العاده جهت پرورش ورزشکاران ماهر دارد. نتیجه کار مربیان زیر نگاه دقیق و موشکافانه تماشاگران، بازیکنان، مدیران ورزشی، خبرنگاران و منتقدان جامعه قرار دارد و نقش ارزنده و پراهمیت مربی در ایجاد و یا پیش‌گیری از عوارض مخرب روانی غیرقابل انکار است. مربیان محور و رکن اصلی تیم‌های ورزشی هستند و در بین سه عامل ورزشکار، مربی و تماشاگر، مربی سازمان‌دهنده قوی و زیربنای هر پیشرفت ورزشی یا تیمی است. از این‌رو، مربی‌گری اثربخش و کارآمد دربرگیرنده نقش‌ها و سبک‌های گوناگون است (۱۰). نقش مربی به‌عنوان رهبر و هماهنگ‌کننده تیم‌های ورزشی زمانی بازتر خواهد بود که بتواند در رهبری و هدایت تیم‌های ورزشی به خوبی عمل کند و تصمیم‌گیری مناسبی داشته باشد. تصمیم‌گیری یکی از محوری‌ترین فرآیندها در سازمان محسوب شده و به‌عنوان وظیفه اصلی مدیران در تمام سطوح مطرح می‌باشد. به نحوی که برخی صاحب‌نظران معتقدند «تمام مدیریت، تصمیم‌گیری است» (۱۱). در همین راستا، یکی از جنبه‌ها و ابعاد مربی‌گری در تیم و یکی از تصمیمات مهم، انتخاب شیوه و سبک مربی‌گری یا همان سبک تصمیم‌گیری در مربی‌گری و هدایت ورزشکاران یک تیم است. اینکه یک مربی چگونه تصمیم بگیرد، کدام مهارت‌ها و استراتژی‌ها را آموزش دهد، چگونه سازماندهی لازم برای تمرین و مسابقه را به انجام برساند، از چه روش‌هایی برای ایجاد نظم و انضباط گروهی و تیمی استفاده نماید، و از همه مهم‌تر، در تصمیم‌گیری‌ها چه نقشی را برای ورزشکاران قائل است، بسیار تعیین‌کننده می‌باشد.

به اعتقاد پیتر (۲۰۰۴) سبک تصمیم‌گیری افراد بیان‌گر الگوی عادی است که آنها در هنگام تصمیم‌گیری مورد استفاده قرار می‌دهند. به عبارت دیگر، سبک تصمیم‌گیری هر فرد رویکرد شخصیتی او در درک و واکنش به وظیفه تصمیم‌گیری خود است. مطالعه فرآیند تصمیم‌گیری بحث تازه‌ای نیست. طی سال‌های اخیر تحقیقات متعددی در رشته‌ها و حوزه‌های مختلف پیرامون تصمیم‌گیری انجام شده که در نتیجه آن طبقه‌بندی‌های متعددی در رابطه با سبک‌ها و مدل‌های تصمیم‌گیری توسط صاحب‌نظران ارائه شده است (۱۲). هر کدام از این مدل‌ها با توجه به اینکه کدام دسته عوامل فردی، سازمانی و محیطی را بر نحوه واکنش و رفتار افراد در هنگام مواجهه با شرایط تصمیم‌گیری دخیل می‌دانند، با یکدیگر متفاوتند (۱۳). اسکات و بروس (۱۹۹۵) در مطالعات خود پیرامون سبک‌های تصمیم‌گیری افراد و عوامل مؤثر بر آن، بر ویژگی‌های درونی و تفاوت‌های فردی افراد توجه نموده و بر این اساس پنج سبک تصمیم‌گیری را ارائه داده‌اند. این پنج سبک عبارت‌اند از: سبک تصمیم‌گیری عقلایی، شهودی، وابستگی، آنی و اجتنابی (۱۴، ۱۵). در این راستا، مطالعات بسیار انجام شده حاکی از ارتباط معنی‌دار میان رفتارهای مربی با تحلیل‌رفتگی ورزشکاران است (۱۶، ۱۷، ۱۸). در این مطالعات، رفتارهای مربیان شامل نوع بازخورد، حمایت اجتماعی، مقدار و نوع آموزش و تمرین بوده است (۴). همچنین، پرایس و ویس (۲۰۰۰) با بررسی گزارش‌های ورزشکاران دریافتند که آنها تعاملات خود با مربیان را به‌عنوان یک منبع بسیار مهم برای احساس تحلیل‌رفتگی ذکر کرده‌اند. این تعاملات بین ورزشکاران و مربیان و تحلیل‌رفتگی آنان ممکن است به‌طور مطلوب با توجه به رفتارهای مربی‌گری و در حوزه تحقیقات سبک تصمیم‌گیری مربیان قابل توجه باشند. نتایج تحقیق این دو محقق نشان داد که صلاحیت و لذت ادراک شده کم‌تر و اضطراب و تحلیل‌رفتگی بیش‌تر، مرتبط با سبک‌های تصمیم‌گیری مربیانی بود که آموزش، حمایت و بازخورد مثبت کم‌تری برای ورزشکاران فراهم می‌ساختند. همچنین، استفاده بیشتر از سبک دموکراتیک و استفاده کم‌تر از سبک استبدادی با نتایج روان‌شناختی مثبت‌تر ورزشکاران مرتبط بوده است (۱۹). نتایج تحقیق ایندراجیت، صوفیان و یوسف (۲۰۰۹) نیز حاکی از آن بود که سبک رهبری و تصمیم‌گیری مربیان پیش‌بین قوی برای تحلیل‌رفتگی بازیکنان است (۲۰). یافته‌های صباغیان‌راد و قلعه‌نوعی (۲۰۱۳) نیز نشان داد که بین رهبری اتوکراتیک و تحلیل‌رفتگی در میان مربیان رابطه معنی‌داری وجود ندارد. ضمناً میان سبک رهبری مربیان و تحلیل‌رفتگی بازیکنان ارتباط وجود دارد. تحلیل‌رفتگی بازیکنان رابطه منفی با آموزش و تمرین و بازخورد مثبت؛ و رابطه مثبتی با رفتار اتوکراتیک دارد (۲۱). نتایج تحقیق ال‌تهینه (۲۰۰۳) نیز نقش بالای رفتارهای مربیان بر رضایت‌مندی ورزشکاران را مورد تأیید قرار داد (۲۲). همچنین، بیچ (۲۰۱۲) در تحقیق خود دریافت افرادی که دارای نمره بالایی در افسردگی بودند، در تصمیم‌گیری دارای اضطراب

فراوان بوده و در به تعویق انداختن تصمیم خود علاقه‌مند بودند. این افراد کم‌تر از استراتژی‌های تصمیم‌گیری بهره می‌برند و در تصمیم‌گیری‌های خود وابسته به کمک دیگران هستند (۲۳). ووس و کرامر (۲۰۱۰) به این نتیجه رسیدند که افراد دارای پیشینه ورزشی، توانایی بالاتری در سرعت پردازش و مهارت طبقه‌بندی الگوهای مختلف در جریان تصمیم‌گیری بودند (۲۴).

هادی‌زاده‌مقدم (۱۳۸۷) در تحقیقی با استفاده از مدل اسکات و بروس نشان داد بین سبک‌های تصمیم‌گیری عقلایی و شهودی رابطه معنی‌دار منفی، بین سبک تصمیم‌گیری آنی و شهودی و سبک عقلانی و اجتنابی رابطه معنی‌دار مثبت، و میان سبک تصمیم‌گیری اجتنابی و هر یک از سبک‌های تصمیم‌گیری وابستگی و آنی رابطه معنادار منفی وجود دارد. به علاوه، بین سطح تحصیلات و سابقه خدمت با نوع سبک تصمیم‌گیری رابطه معنی‌داری یافت نشد (۲۵).

در ایران نیز در حوزه ورزش علیرغم انجام مطالعات مختلف مرتبط با تحلیل‌رفتگی، تحلیل‌رفتگی ورزشکاران حرفه‌ای والیبال کشور کم‌تر مورد بررسی قرار گرفته است. به عنوان نمونه، یافته‌های نوزدی و بوستانی (۱۳۹۳) نشان داد سبک‌های تصمیم‌گیری عقلایی، اجتنابی، وابستگی و آنی ۶۱ درصد از تغییرات تحلیل‌رفتگی بازیکنان بسکتبال را تبیین می‌کند و اثر مستقیم بر تحلیل‌رفتگی بازیکنان دارد و بین سبک تصمیم‌گیری مربیان و رضایت‌مندی بازیکنان بسکتبال رابطه معنی‌دار وجود دارد (۲۶). یافته‌های حیدری (۱۳۹۲) نیز نشان داد که سبک تصمیم‌گیری عقلایی و شهودی موجب کارایی مربیگری بالاتری نسبت به سبک‌های تصمیم‌گیری آنی، اجتنابی و وابستگی می‌گردد (۲۷).

گسترده‌گی و اهمیت پدیده ورزش و تربیت‌بدنی و دیدگاه‌های مدیریتی در آن و جایگاه هدایت مربیان نسبت به ورزشکاران و شرایط شغلی مربیان تیم‌های ورزشی و تأثیراتی که مربیان بر ورزشکاران دارند، ضرورت توجه بیشتر به این مهم را معطوف کرده است. بنابراین با توجه به ارتباط سبک‌های تصمیم‌گیری مربیان در پیشرفت یا عدم پیشرفت ورزشکاران و نتایجی که ممکن است از هر کدام از سبک‌های تصمیم‌گیری توسط مربیان حاصل شود؛ بررسی رابطه سبک‌های تصمیم‌گیری مربیان با تحلیل‌رفتگی ورزشکاران از ضرورت‌های پژوهشی می‌باشد. نگاهی کلی به پژوهش‌های انجام شده در زمینه تحلیل‌رفتگی نیز نشان می‌دهد نفوذ مربیان در زندگی ورزشکاران نیاز به بررسی نوع تصمیمات مربیان دارد که ممکن است باعث تحلیل‌رفتگی ورزشکاران شود. در واقع، علی‌رغم رشد ادبیات تحلیل‌رفتگی در ورزشکاران و مربیان، در خصوص سبک تصمیم‌گیری مربیان و اثر آن بر تحلیل‌رفتگی ورزشکاران پژوهش اندکی در ورزش کشور انجام شده و ممکن است سوالات بدون جوابی را در ذهن ایجاد نماید که نیازمند بررسی جامع‌تر تحلیل‌رفتگی ورزشکاران باشد. در واقع، هر چند آگاهی از سبک تصمیم‌گیری مربیان و رابطه‌ای که با تحلیل‌رفتگی ورزشکاران دارد، می‌تواند به تصمیم‌گیری مناسب‌تر نسبت به برنامه‌ریزی تیم‌های ورزشی والیبال منجر شود؛ اما غالب مطالعات در حوزه تحلیل‌رفتگی، مربوط به ورزشکاران و نقش دو جانبه مربی- ورزشکار در سطح مدارس و دانشکده‌ها بوده و کم‌تر در سطح تیم‌های حرفه‌ای انجام شده است. تحقیقات نشان داده است که ورزشکاران و مربیان حرفه‌ای از جمله آنهایی که در سطح اول رشته والیبال شاغل هستند، اکثر اوقات در شرایطی قرار دارند که باید تمامی تلاش خود را به کار ببندند، چون انتظارات زیادی از آنها می‌رود. این توقعات آنها را تحت فشار قرار داده و باعث واکنش‌هایی چون ترس از شکست، اضطراب و نگرانی شده و به تدریج فرسودگی شغلی را به دنبال خواهد داشت. بنابراین، از آنجا که رابطه میان ورزشکار و مربی در ورزش گروهی والیبال اجتناب‌ناپذیر است و رفتارهای مربی، تأثیرات خود را بر واکنش‌های بعدی و کیفیت بخشی عملکرد و موفقیت ورزشکار در مسابقات خواهد گذاشت، ارتباط میان سبک تصمیم‌گیری مربیان والیبال و رابطه آن با تحلیل‌رفتگی ورزشکاران می‌تواند قابل بحث باشد. با نگاهی به مطالعات انجام شده این سؤال مطرح می‌شود که آیا رابطه‌ای میان سبک تصمیم‌گیری مربیان والیبال با تحلیل‌رفتگی بازیکنان آنها وجود دارد؟ آیا سبک تصمیم‌گیری مربیان والیبال توان پیش‌بینی تحلیل‌رفتگی بازیکنان آنها را دارد؟ و کدام یک از ابعاد سبک‌های تصمیم‌گیری مربیان والیبال قادر به پیش‌بینی تحلیل‌رفتگی بازیکنان این رشته ورزشی خواهد بود؟ بنابراین، هدف کلی این پژوهش، تعیین ارتباط بین سبک‌های تصمیم‌گیری مربیان لیگ‌های برتر والیبال ایران با میزان تحلیل‌رفتگی بازیکنان آنها است.

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق: این پژوهش از نظر هدف از نوع کاربردی و از نظر روش در دسته تحقیقات همبستگی قرار می‌گیرد که به صورت میدانی اجرا شد.

جامعه آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری: جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی ورزشکاران تیم‌های والیبال مردان و زنان ایران بوده است که در مسابقات لیگ برتر سال ۹۲-۱۳۹۱ شرکت داشتند که شامل ۲۴۰ نفر ورزشکار (۱۴۰ نفر مرد و ۱۰۰ نفر زن) بود. معیارهای مدنظر در انتخاب جامعه آماری شامل حداقل ۶ ماه همکاری با تیم، برخورداری از سلامت جسمی (عدم مصدومیت بیشتر از دو ماه از زمان اجرای تحقیق)، عدم جابه‌جایی مربی (عدم اخراج یا تغییر مربی در کمتر از ۶ ماه قبل از اجرای تحقیق) بود. جهت انتخاب نمونه، به علت حجم کم جامعه آماری، تعداد افراد نمونه با جامعه آماری یکسان در نظر گرفته شد. بدین منظور بعد از اینکه معیارهای شمول در جامعه آماری مورد بررسی قرار گرفت، تعداد افراد نمونه به ۲۴۶ نفر تقلیل یافت. از این تعداد ۲۴۰ نفر شامل ۱۰۰ نفر زن و ۱۴۰ نفر مرد برای پژوهش نهایی انتخاب شدند.

در این تحقیق برای سنجش ادراک سبک تصمیم‌گیری مریبان از پرسشنامه خودایفای اسکات و بروس (۱۹۹۵) که به همین منظور تهیه شده است، استفاده گردید. این پرسشنامه شامل ۲۵ سؤال در طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت (از یک به عنوان کم‌ترین میزان توافق تا ۵ به عنوان بیش‌ترین میزان توافق) است که به ارزیابی سبک‌های تصمیم‌گیری مریبان در قالب پنج سبک عقلانی، شهودی، آنی، اجتنابی و وابستگی می‌پردازد. بالاترین نمره نشان‌دهنده سبک غالب (اولیه) هر شخص است و نمره دوم سبک پشتیبان وی را نشان می‌دهد (۲۸). چنانچه شخص در دو یا چند سبک نمره یکسان کسب نماید سبک وی مختلط می‌باشد (۲۹).

همچنین، جهت سنجش تحلیل‌رفتگی ورزشکاران از پرسشنامه تحلیل‌رفتگی رادک و اسمیت (۲۰۰۱) (ABQ) استفاده شد. این پرسشنامه یک پرسشنامه چندبعدی است که دارای ۱۵ سؤال می‌باشد که سه خرده‌مقیاس در تحلیل‌رفتگی ورزشکاران را اندازه‌گیری می‌نماید که عبارتند از: فرسودگی عاطفی/ جسمانی، کاهش حس عملکرد و بی‌علاقگی. در این پرسشنامه، سؤالات ۱ تا ۵ مربوط به خرده‌مقیاس کاهش حس عملکرد، سؤالات ۶ تا ۱۰ مربوط به خرده‌مقیاس بی‌علاقگی و سؤالات ۱۱ تا ۱۵ مربوط به خرده‌مقیاس فرسودگی عاطفی هستند که بر اساس مقیاس پنج‌گزینه‌ای لیکرت از دامنه ۱ (تقریباً هیچ‌گاه) تا ۵ (تقریباً همیشه) درجه‌بندی شده است.

روایی صوری و محتوایی پرسشنامه تحلیل‌رفتگی توسط رادک و اسمیت بررسی و مورد تأیید قرار گرفته است و به ترتیب برای خرده‌مقیاس‌های فرسودگی عاطفی/ جسمانی، کاهش حس عملکرد و بی‌علاقگی ضرایب همسانی دورنی ۰/۸۹ و ۰/۸۵ و ۰/۹۰ بدست آمد. ضرایب پایایی نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۹۲ و ۰/۸۶ و ۰/۹۲ محاسبه گردیده است. در عین حال، در این پژوهش نیز روایی و پایایی پرسشنامه‌های تحقیق توسط محققان مورد بررسی قرار گرفت؛ بدین نحو که از ۱۲ نفر از اساتید و متخصصان تربیت‌بدنی خواسته شد تا این پرسشنامه‌ها را از نظر واژگانی و محتوایی مورد بررسی قرار دهند. پس از تعیین روایی صوری و محتوایی پرسشنامه‌ها، محققان به تعیین پایایی ابزار فوق پرداختند. برای این منظور، پرسشنامه مذکور روی ۳۲ نفر از بازیکنان شرکت‌کننده در لیگ برتر والیبال ایران اجرا شد، که در این مورد نیز ضرایب همبستگی نشان داد که تمامی گویه‌ها با کل پرسشنامه همبستگی مثبت دارند؛ به طوری که در مورد هر دو پرسشنامه ادراک سبک تصمیم‌گیری و تحلیل‌رفتگی، ضریب آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۸۹ و ۰/۹۰ به دست آمد که در حد قابل قبولی است.

روش‌های آماری: داده‌های حاصله با استفاده از شیوه‌های آمار توصیفی و آمار استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در بخش آمار توصیفی از میانگین و انحراف معیار، و در بخش آمار استنباطی از آزمون کلموگروف-اسمیرنف جهت تعیین نرمال بودن داده‌ها و نیز روش‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون چندگانه به روش گام‌به‌گام، آزمون t مستقل و تک‌نمونه‌ای با کمک نرم‌افزار اسپاس نسخه ۲۲ استفاده شد.

یافته‌های تحقیق

بر اساس یافته‌های به دست آمده، از ۲۴۰ والیبالیست شرکت‌کننده در این پژوهش ۵۸ درصد مرد و ۴۱ درصد را زنان تشکیل می‌دادند. از این بین، ۷۳ درصد دارای مدارک تحصیلی زیرلیسانس و ۲۷ درصد دارای مدرک تحصیلی لیسانس و بالاتر بودند. به علاوه، از ۴۰ مربی زن و مرد شرکت‌کننده در این پژوهش، ۷۳ درصد دارای مدارک تحصیلی لیسانس و ۲۷ درصد دارای مدرک تحصیلی بالاتر از لیسانس بودند. همچنین، بر اساس نتایج آزمون کلوگروف-اسمیرنف، چون سطح معناداری متغیرهای تحقیق بزرگ‌تر از مقدار خطا بود، توزیع متغیرهای تحقیق نرمال در نظر گرفته شد. به منظور بررسی وضعیت ادراک سبک‌های تصمیم‌گیری مربیان از آزمون میانگین یک جامعه (t تک‌نمونه‌ای) استفاده شد.

جدول شماره ۱. نتایج آزمون میانگین یک جامعه آماری سبک تصمیم‌گیری مربیان

متغیر	میانگین	انحراف معیار	آماره t	سطح معنی‌داری	وضعیت متغیر
عقلایی	۳/۹۳	۰/۵۱	۱۲/۲۷	۰/۰۰۰	متوسط
شهودی	۳/۳۵	۰/۵۲	۱۱/۳۸	۰/۰۰۰	متوسط
آنی	۳/۳۰	۰/۵۹	۹/۵۲	۰/۰۱	متوسط
اجتنابی	۳/۵۵	۰/۴۸	۱۰/۶۹	۰/۰۰۰	متوسط
وابستگی	۳/۳۱	۰/۵۱	۱۰/۲۷	۰/۰۰۰	متوسط
ادراک سبک‌های تصمیم‌گیری	۳/۷۸	۰/۴۶	۱۹/۵۵	۰/۰۰۰	متوسط

با توجه به نتایج به دست آمده در جدول شماره ۱، چون سطح معنی‌داری آزمون از مقدار خطا کم‌تر است؛ لذا سبک‌های تصمیم‌گیری مربیان با توجه به میانگین جامعه، بالاتر از متوسط قرار دارد، اما مطلوب نیست؛ ولی با توجه به اینکه هر دو حد بالا و پایین مثبت است چنان احساس می‌شود که به سمت مناسب در حرکت و پیشرفت می‌باشد. با توجه به میانگین‌های ابعاد ادراک سبک‌های تصمیم‌گیری مشخص می‌شود که بازیکنان بیشتر متمایل به ادراک سبک تصمیم‌گیری اجتنابی و بعد از آن سبک تصمیم‌گیری عقلایی هستند. همچنین، به منظور بررسی وضعیت تحلیل‌رفتگی ورزشکاران از آزمون میانگین یک جامعه (t تک‌نمونه‌ای) استفاده شد.

جدول شماره ۲. نتایج آزمون میانگین یک جامعه آماری سطح تحلیل‌رفتگی ورزشکاران

متغیر	میانگین	انحراف معیار	آماره t	سطح معنی‌داری	وضعیت متغیر
کاهش احساس عملکرد	۲/۳۵	۰/۴۲	-۱۷/۲۹	۰/۰۰۰	نامناسب
بی‌علاقگی	۲/۶۸	۰/۴۹	-۱۴/۱۴	۰/۰۰۰	نامناسب
فرسودگی جسمانی - عاطفی	۲/۲۸	۰/۶۱	-۱۶/۰۳	۰/۰۰۰	نامناسب
تحلیل‌رفتگی	۲/۴۱	۰/۵۲	-۰۲۰/۸۴	۰/۰۰۰	نامناسب

با توجه به نتایج به دست آمده در جدول شماره ۲، چون سطح معنی‌داری آزمون از مقدار خطا کم‌تر است، لذا میانگین جامعه در وضعیت نامناسبی قرار دارد و زیاد مطلوب نیست. با توجه به میانگین‌های ابعاد تحلیل‌رفتگی ورزشکاران، بازیکنان بیشتر متمایل به تحلیل‌رفتگی بعد بی‌علاقگی و بعد از آن تحلیل‌رفتگی بعد کاهش احساس عملکرد می‌باشند. از سوی دیگر، برای تعیین ارتباط بین سبک تصمیم‌گیری مربیان با تحلیل‌رفتگی بازیکنان از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد.

جدول شماره ۳. ارتباط میان ادراک سبک تصمیم‌گیری مریبان و تحلیل رفتگی بازیکنان

متغیرها / مؤلفه‌ها	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی‌داری
عقلانی	** -۰/۵۳	۰/۰۲۱
شهودی	** -۰/۳۴	۰/۰۳۸
آنی	** ۰/۴۶	۰/۰۱۲
اجتنابی	** ۰/۳۹	۰/۰۰۷
وابستگی	** ۰/۲۲	۰/۰۱۵

با توجه به نتایج ماتریس همبستگی ارائه شده در جدول شماره ۳، در بین ابعاد سبک تصمیم‌گیری مریبان، دو سبک عقلانی و شهودی با میزان تحلیل رفتگی بازیکنان رابطه منفی و معنی‌دار ($P < 0/05$) و سه سبک تصمیم‌گیری آنی، اجتنابی و وابستگی با میزان تحلیل رفتگی بازیکنان والیبال، رابطه مثبت و معنی‌داری داشتند ($P < 0/05$). در ادامه، جهت پیش‌بینی تحلیل رفتگی ورزشکاران از طریق ادراک سبک‌های تصمیم‌گیری مریبان، از تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام استفاده شد. بدین منظور، زیرمقیاس‌های ادراک سبک‌های تصمیم‌گیری به‌عنوان متغیر پیش‌بین و تحلیل رفتگی به‌عنوان متغیر وابسته (ملاک) در نظر گرفته شد.

جدول شماره ۴- پیش‌بینی تحلیل رفتگی ورزشکاران بر اساس ادراک سبک‌های تصمیم‌گیری مریبان

مدل	متغیر	β	t	sig	R	R^2	F	sig
۱	عقلانی	-۰/۵۱	-۷/۲۵	۰/۰۰۰	-۰/۵۵	۰/۳۰	۶۷/۲۹	۰/۰۰۰
	شهودی	-۰/۲۷	-۵/۵۸	۰/۰۰۰	-۰/۵۷	۰/۳۳	۴۹/۶۳	۰/۰۰۰
۳	عقلانی	-۰/۴۱	-۷/۳۹	۰/۰۰۰	۰/۶۰	۰/۳۶	۳۸/۵۵	۰/۰۰۰
	وابستگی	-۰/۱۹	-۴/۲۱	۰/۰۰۰				
	شهودی	-۰/۱۸	-۴/۱۲	۰/۰۰۲				
۴	عقلانی	-۰/۳۱	-۴/۵۳	۰/۰۰۰	۰/۶۲	۰/۳۸	۳۱/۶۲	۰/۰۰۰
	وابستگی	-۰/۱۹	-۳/۷۹	۰/۰۰۰				
	شهودی	-۰/۱۸	-۲/۷۵	۰/۰۰۰				
	آنی	-۰/۱۷	-۳/۳۱	۰/۰۰۶				
۵	عقلانی	-۰/۱۹	-۲/۵۵	۰/۰۱۵	۰/۶۱	۰/۳۷	۲۲/۱۲	۰/۰۰۰
	وابستگی	-۰/۱۶	-۲/۴۱	۰/۰۲۳				
	شهودی	-۰/۰۹	-۱/۲۱	۰/۳۱۱				
	آنی	-۰/۲۱	-۲/۸۵	۰/۰۲۴				
	اجتنابی	-۰/۲۵	-۲/۵۳	۰/۰۱۲				
۶	عقلانی	-۰/۲۱	-۲/۳۲	۰/۰۲۹	۰/۶۴	۰/۴۰	۳۲/۲۵	۰/۰۰۰
	وابستگی	-۰/۱۷	-۲/۶۵	۰/۰۰۵				
	آنی	-۰/۲۲	-۳/۴۵	۰/۰۰۱				
	اجتنابی	-۰/۲۶	-۳/۵۹	۰/۰۰۰				

با توجه به نتایج ارائه‌شده در جدول شماره ۴، در گام اول سبک تصمیم‌گیری عقلانی وارد معادله شده و قادر به پیش‌بینی ۳۰ درصد از تغییرات تحلیل رفتگی ورزشکاران بوده است. در گام دوم، با اضافه شدن سبک تصمیم‌گیری شهودی، این مقدار به ۳۳ درصد افزایش یافته است. در گام‌های سوم و چهارم، با اضافه شدن سبک وابستگی این مقدار به ۳۸ درصد و با اضافه شدن

سبک آنی این مقدار به ۴۰ درصد افزایش یافته است. در ادامه، به منظور مقایسه سبک‌های تصمیم‌گیری مریبان و تحلیل‌رفتگی بازیکنان بر اساس جنسیت و سطح تحصیلات، از آزمون t مستقل استفاده شد.

جدول شماره ۵. مقایسه سبک‌های تصمیم‌گیری و تحلیل‌رفتگی بازیکنان بر اساس جنسیت و سطح تحصیلات

Sig	آماره t	میانگین	متغیر	
۰/۶۹۹	۰/۲۸۳	۳/۷۵	مردان	سبک‌های تصمیم‌گیری
		۳/۶۹	زنان	
۰/۶۹۷	-۰/۲۱۲	۲/۸۵	مردان	تحلیل‌رفتگی
		۲/۸۸	زنان	
Sig	آماره t	میانگین	متغیر	
۰/۷۹۸	-۰/۱۸۹	۳/۷۵	لیسانس	سبک تصمیم‌گیری مریبان
		۳/۷۹	بالتر از لیسانس	
۰/۲۴۵	۰/۲۵۹	۲/۵۲	زیرلیسانس	تحلیل‌رفتگی بازیکنان
		۲/۴۶	لیسانس و بالاتر	

در مورد مقایسه سبک‌های تصمیم‌گیری و تحلیل‌رفتگی بازیکنان بر اساس جنسیت، با توجه به نتایج ارائه شده در جدول شماره ۵، با توجه به مقادیر t و سطح معنی‌داری که بزرگ‌تر از $\alpha=0/05$ است، در هیچ یک از سبک‌های تصمیم‌گیری در بین زنان و مردان والیبال تفاوتی مشاهده نمی‌شود. به علاوه، در مورد تحلیل‌رفتگی بازیکنان، با توجه به مقادیر t و سطح معنی‌داری که بزرگ‌تر از $\alpha=0/05$ است، در هیچ یک از سبک‌های تصمیم‌گیری در بین زنان و مردان تفاوتی مشاهده نمی‌شود. همچنین، در مورد مقایسه سبک‌های تصمیم‌گیری و تحلیل‌رفتگی بازیکنان بر اساس سطح تحصیلات، با توجه به نتایج ارائه شده در جدول شماره ۹، همچنین، جهت مقایسه سبک‌های تصمیم‌گیری مریبان و تحلیل‌رفتگی بازیکنان والیبال بر اساس سطح تحصیلات، از آزمون t مستقل استفاده شد. بر اساس نتایج ارائه شده در جدول شماره ۱۰، با توجه به مقادیر F و سطح معنی‌داری که بزرگ‌تر از $\alpha=0/05$ است، در هیچ یک از سبک‌های تصمیم‌گیری بر اساس سطح تحصیلات تفاوتی مشاهده نمی‌شود. به علاوه، در مورد تحلیل‌رفتگی بازیکنان، با توجه به مقادیر F و سطح معنی‌داری که بزرگ‌تر از $\alpha=0/05$ است، در کلیه ابعاد تحلیل‌رفتگی بر اساس سطح تحصیلات تفاوت معنی‌دار مشاهده می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این تحقیق بررسی ارتباط بین سبک‌های تصمیم‌گیری مریبان لیگ‌های برتر والیبال ایران با میزان تحلیل‌رفتگی بازیکنان آنها بود. نتایج این تحقیق نشان داد بین ادراک از سبک‌های تصمیم‌گیری مریبان والیبال با تحلیل‌رفتگی ورزشکاران والیبال رابطه آماری معناداری وجود دارد. در واقع، بین سبک‌های تصمیم‌گیری عقلانی، شهودی، آنی، اجتنابی و وابستگی مریبان با تحلیل‌رفتگی ورزشکاران ارتباط معنی‌داری وجود داشت. این یافته بیانگر این است که با افزایش استفاده از هر کدام از سبک‌های تصمیم‌گیری عقلانی، شهودی از طرف مریبان، میزان تحلیل‌رفتگی بازیکنان والیبال کاهش و با افزایش استفاده از هر کدام از سبک‌های تصمیم‌گیری وابستگی، آنی و اجتنابی میزان تحلیل‌رفتگی بازیکنان افزایش می‌یابد. این یافته با نتایج نودری و بوستانی (۱۳۹۳) و پرایس و ویس (۲۰۰۰) هم‌راستا است. این پژوهشگران نیز در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که تحلیل‌رفتگی بیشتر، مرتبط با سبک‌های تصمیم‌گیری مریبانی بود که آموزش، حمایت و بازخورد مثبت کم‌تری برای ورزشکاران فراهم می‌ساختند.

همچنین نتایج تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام نشان داد که در گام ۱ سبک تصمیم‌گیری عقلانی قادر به پیش‌بینی ۳۰ درصد از تغییرات واریانس تحلیل‌رفتگی ورزشکاران است و با اضافه شدن سبک تصمیم‌گیری شهودی در گام ۲ این مقدار به ۳۳ درصد افزایش یافته است. در گام سوم با اضافه شدن سبک تصمیم‌گیری وابستگی این مقدار به ۳۶ درصد و در گام پنجم با اضافه شدن سبک تصمیم‌گیری آنی، این مقدار به ۳۸ درصد ارتقاء یافته است ولی این امر باعث شده سبک تصمیم‌گیری شهودی معناداری خود را از دست بدهد که در گام ۶ با حذف سبک تصمیم‌گیری شهودی، ۴۰ درصد، درصد تغییرات روی متغیر وابسته توسط سبک‌های

تصمیم‌گیری عقلانی، وابستگی، آنی و اجتنابی تبیین شده است. یعنی سبک‌های عقلانی، وابستگی، آنی و اجتنابی مربیان بر تحلیل‌رفتگی ورزشکاران تأثیر داشته است. در واقع، برای مشخص شدن نقش هر کدام از سبک‌های تصمیم‌گیری بر تحلیل‌رفتگی ورزشکاران نتایج رگرسیون گام‌به‌گام نشان داد که سبک‌های تصمیم‌گیری عقلانی و شهودی به شکل مستقیم و منفی و سبک‌های تصمیم‌گیری آنی، اجتنابی و وابستگی به شکل مستقیم و مثبت بر تحلیل‌رفتگی ورزشکاران تأثیر دارد. ضمن اینکه سبک‌های عقلانی و شهودی بیشترین نقش (۳۳ درصد) را در کاهش تحلیل‌رفتگی والیبالیست‌ها دارند. با توجه به مطالعاتی که به بررسی رفتار مربیان و نقش آن بر تحلیل‌رفتگی ورزشکاران پرداخته‌اند، می‌توان گفت یافته پژوهش حاضر دور از انتظار نبوده است و از این نظر با تحقیقات نوذری و بوسستانی (۱۳۹۳)، حیدری (۱۳۹۲)، ال‌تهینه (۲۰۰۳)، محمدزاده (۱۳۸۹) و ایندراجیت و همکاران (۲۰۰۹) هم‌سو می‌باشد.

به‌علاوه، در مقایسه سبک‌های تصمیم‌گیری مربیان و تحلیل‌رفتگی بازیکنان براساس ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، نتایج نشان داد که بین زنان و مردان والیبالیست از نظر ادراک سبک‌های تصمیم‌گیری مربیان و سطح تحلیل‌رفتگی بازیکنان، تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. اگرچه زنان والیبالیست نسبت به مردان والیبالیست از میانگین پایین‌تری برخوردارند. این یافته پژوهش هم‌سو و مطابق با نتایج مطالعات دیگری همچون نتایج تحقیق رضازاده (۱۳۸۹) و بایکو و همکاران (۲۰۰۸) است که نشان دادند تفاوت معناداری در ادراک سبک‌های تصمیم‌گیری مربیان از طرف زنان و مردان ورزشکار وجود ندارد. همچنین سطح تحصیلات ورزشکاران با ادراک سبک‌های تصمیم‌گیری مربیان و میزان تحلیل‌رفتگی بازیکنان ارتباط دارد. از سوی دیگر، در بررسی اثر ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و رابطه آنها با متغیرهای پژوهش نتایج نشان داد بین زنان و مردان والیبالیست دارای مدرک زیرلیسانس و لیسانس و بالاتر، از نظر ادراک سبک‌های تصمیم‌گیری مربیان و میزان تحلیل‌رفتگی بازیکنان، تفاوت معناداری وجود دارد. این یافته با نتایج یافته‌های هادیزاده‌مقدم (۱۳۸۷) ناهم‌سو است. طبق یافته‌های استوارت و اوونز (۲۰۱۱) رفتارهای مربیگری بر انگیزش و عملکرد ورزشکاران تأثیر می‌گذارد؛ به طوری که اگر یک مربی رفتارهایش را با آگاهی از رفتارهای ترجیحی ورزشکارانش به نمایش بگذارد، ورزشکاران تلاش بیشتری برای ارتقاء عملکرد خود می‌کنند. بنابراین، مربیان باید از نیازها و انتظارات ورزشکاران خود آگاه باشند و میان خواسته‌های خود و انتظارات ورزشکاران نزدیکی ایجاد نمایند. این شیوه منجر به پیشگیری از تحلیل‌رفتگی بازیکنان و در نتیجه تداوم زمانی بیشتر در عملکرد بهینه ورزشکاران خواهد شد. بنابراین، با توجه به اینکه اتخاذ سبک مناسب تصمیم‌گیری از طرف مربی در تنظیم برنامه‌ها و اهداف و استراتژی‌های تیم و به‌ویژه در رفتارهای تعاملی با ورزشکاران، نقش بسزایی در مشارکت فعال ورزشکاران و سطح تحلیل‌رفتگی آنها دارد؛ از این رو، شناسایی بسترهای بروز تحلیل‌رفتگی، شناخت خلقیات ورزشکاران، آشنایی با رفتارهای سازمانی، توجه به سطح رقابت، سن و جنس ورزشکاران در اختیار و از همه مهم‌تر مطالعه و شرکت در دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت روان‌شناسی و جامعه‌شناسی ورزشی می‌تواند تأثیرگذاری مربیان در کاهش تحلیل‌رفتگی ورزشکاران را بهبود بخشد و موجب ارتقاء استفاده از ظرفیت‌های موجود آنان شود. با توجه به ارتباط رفتارهای رهبری مربیان با تحلیل‌رفتگی ورزشکاران به نظر می‌رسد آموزش‌های مدیریتی به مربیان می‌تواند در جهت شناسایی و کمک به ورزشکاران مؤثر باشد.

در سال‌های اخیر به‌واسطه حضور تیم ملی والیبالی ایران در لیگ جهانی والیبالی و همچنین مسابقات جام جهانی و توفیق این تیم، انتظارات و اشتیاق اقشار مختلف مردم جامعه نسبت به رشته والیبالی و تیم ملی بیشتر از گذشته شده است. این موضوع موجب افزایش فشار و استرس بر بازیکنان و مربیان والیبالی شده است. به نظر می‌رسد آموزش مدیریت استرس در بازیکنان و کادر رهبری تیم‌های ملی والیبالی از پایه تا بزرگسال باید به‌عنوان یک استراتژی موفقیت‌مد نظر مدیران و مسئولان فدراسیون قرار گیرد. ضمناً از آنجا که بازیکنان تیم ملی محصول باشگاه‌های ورزشی والیبالی کشور هستند، آماده‌سازی روانی بازیکنان شاغل در لیگ‌های مختلف والیبالی از سال‌های نوجوانی باید مد نظر مسئولان باشگاه‌ها قرار گیرد. همچنین، با توجه به اینکه عوامل مختلفی می‌تواند بر تحلیل‌رفتگی ورزشکاران تأثیرگذار باشد، پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آینده، دیگر عوامل اثرگذار بر تحلیل‌رفتگی ورزشکاران از جمله عوامل محیطی، فرهنگی، سازمانی، خانوادگی و اجتماعی نیز مورد بررسی قرار گیرد.

سپاس‌گزاری

در پایان بر خود لازم می‌دانیم از کلیه مسئولان محترم فدراسیون والیبال و سازمان لیگ و همچنین تمامی مربیان و ورزشکاران تیم‌های والیبال لیگ برتر ایران که در اجرای این پژوهش ما را یاری دادند، تشکر و قدردانی نماییم.

منابع

- Maslach, C. (1986). Burnout: A multidimensional perspective. Recent developments in theory and research. Pp.: 19-32. Washington, DC: Taylor & Francis.
- Smith, R. E. (1986). Toward a cognitive-affective model of athletic burnout. *Journal of Sport Psychology*, 8, 36-50.
- Maslach, C., Jackson, S. E. (1984). *Maslach Burnout Inventory Manual* (2nd Ed.). Palo Alto, CA: Consulting Psychologists Press.
- Harris, B.S. (2005). *Coach and athlete burnout: The role of coaches' decision-making style*. West Virginia University School of Physical Education.
- Cox, R. H. (2006). *Sports Psychology: Concepts and Applications*. 6th Ed. New York: McGraw-Hill.
- Fender, L. K. (1989). Athlete burnout: Potential for research and intervention strategies. *The Sport Psychologist*, 3, 63-71.
- Dale, J., & Weinberg, R. (1989). The relationship between coaches' leadership style and burnout. *The Sport Psychologist*, 3, 1-13.
- Lunney, K., Raedeke, T. D., & Venables, K. (2002). Understanding athlete burnout: Coach perspectives. *Journal of Sport Behavior*, 25, (2), 181-206.
- Smith, A. L. & Raedeke, T. D. (2001). Development and preliminary validation of an athlete burnout measure. *Journal of Sport and Exercise Psychology*, 23, 281-306.
۱۰. رمضانی‌نژاد، رحیم؛ حسینی‌کشتان، میثاق؛ بنار، نوشین و محدث، فاطمه، (۱۳۸۹). رابطه سبک‌های مربیگری با انسجام گروهی و موفقیت تیم‌های والیبال دانشجویان دانشگاه‌های آزاد اسلامی، مدیریت ورزشی، شماره ۶، صص ۴۶-۲۹.
۱۱. مرادی، محمدرضا، (۱۳۸۳). بررسی ارتباط میان سبک رهبری مربیان با انسجام گروهی بازیکنان در تیم‌های بسکتبال لیگ برتر با شگاه‌های کشور، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه تربیت مدرس تهران، دانشکده تربیت‌بدنی و علوم ورزشی.
- Koontz, H., & Weirich, H., (1998). *Management*. 9th, ed, MCGraw Hill, p 135.
- Tatum, Charles B., Eberlin, Richard, Kottraba, Crin, Bradberry, Travis. (2003). Leadership , Decision Making and Organization Justic, *Journal of Management Decision* , The current issue and full text of this journal is available.
- Parker, A. M. dc Bruinc, W. B. & Fichhoff, B. (2007). Maximizrs versus Satisficers: Decision Making Stles Competence and Outcomes. *Judgment and Decision Making*. 2(6). 342-344.
- Baiocco, R., L.Fiorenzo and L. Alessio., 2009: Decision Making Style among adolescents: Relationship with sensation seeking and locus of control. *Journal of Adolescence*, 32 (3): 963-967.
- Udry, E., Gould, D., Bridges, D., & Tuffey, S. (1997). People helping people? Examining the social ties of athletes coping with burnout and injury stress. *Journal of Sport and Exercise Psychology*, 19, 368-395.
۱۷. باقری، قدرت ...، (۱۳۸۳)، ارتباط بین سبک‌های رهبری مربیان فوتبال با میزان تعهد و تحلیل‌رفتگی بازیکنان و ارائه الگو، رساله دکتری مدیریت و برنامه‌ریزی تربیت‌بدنی، دانشگاه تربیت معلم، دانشکده تربیت‌بدنی و علوم ورزشی.
۱۸. محمدزاده، یونس، (۱۳۸۹)، بررسی ارتباط بین تحلیل‌رفتگی و رفتارهای رهبری در مربیان با تحلیل‌رفتگی و رضایت کاری ورزشکاران تیم‌های هندبال، بسکتبال و والیبال لیگ برتر و دسته یک، پایان‌نامه دکتری، رشته مدیریت و برنامه‌ریزی در تربیت‌بدنی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- Price, J. L., Weiss, M. R. (2000). The influence of leader behaviors, coach attributes and institutional variables on performance and satisfaction of collegiate basketball teams. *Journal of Sport Psychology*, 8, 332-346.
- Inderjit Goman, S.S., Sofian Omar-Fauzee, M., Yusof, A.(2009).The Effect of School Coaches Decision –Making Style and Burnout on School Male Soccer Players, *European Journal of Social Sciences*,8(4), 672-683.
- Sabbaghian Rad, Lila., Ghalenoei, Masoomeh. (2013). The relationship between leadership behavior and burnout among coaches and athletes. *European Journal of Experimental Biology*, 3(3):195-205.
- Altahayneh, Ziad L. (2003). The effects of coaches behavior's and burnout on the satisfaction and burnout of athletes. Florida University. Department of sport management.
- Beach, L. R. (2012). Narrative thinking and decision making: How the stories we tell ourselves shape our decisions, and vice versa. Online publication, www. LeeRoy Beach. com.
- Voss, M. W., Kramer, A. F., Basak, C., Prakash, R. S., & Roberts, B. (2010). Are expert athletes 'expert' in the cognitive laboratory? A meta-analytic review of cognition and sport expertise. *Applied Cognitive Psychology*, 24(6), 812 – 826.

۲۵. هادیزاده‌مقدم، اکرم، (۱۳۸۷)، بررسی رابطه بین سبک‌های عمومی تصمیم‌گیری مدیران در سازمان‌های دولتی، نشریه مدیریت دولتی، دوره ۱، شماره ۱، ص ۱۳۸-۱۲۳.
۲۶. نوذری، ولی و بوستانی، محمدحسین، (۱۳۹۳)، ارتباط بین سبک‌های تصمیم‌گیری مربیان و تحلیل رفتگی و رضایتمندی بازیکنان لیگ‌های برتر بسکتبال مردان و زنان، مطالعات میانی مدیریت در ورزش. سال اول، شماره ۱، صص ۳۸-۳۱.
۲۷. حیدری حسین، (۱۳۹۲)، ارتباط بین سبک‌های تصمیم‌گیری مربیان مدارس والیبال شهر قم و کارآیی مربیگری آنها، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته تربیت بدنی و علوم ورزشی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی.
28. Scott, S.G., & Bruce, R.A. (1995). Decision-making style: the development and assessment of a new measure. *Educational and Psychological Measures*. 55(5), 818-831.
29. Trout, D. K. (2009). Learning Strategy Preferences. Decision-making Style. Ways of Knowing. And Cultural Awareness of the National Academic Advising Association. Submitted to the Faculty of the Graduate College of Oklahoma State University in partial fulfillment of the requirements for the Degree of doctor of education.